

انبیاء یا:

پایه گزاران اقتصاد بشری

حرص و ولع شدید به ترجمه و نشر مکتبهای اقتصادی غرب، ما را از درك بسیاری از واقعیتها محروم داشته است

آن بتوانیم زندگی مادی و معنوی خود را طوری تنظیم کنیم که در دوجهان رستگار باشیم از این جهت محال است دین و قانونی از جانب خدای جهان-آفرین برای بشر آمده باشد و در آن بحثی از مسائل اقتصادی که یکی از مهمترین مسائل زندگی بشر را تشکیل می‌دهند بمان نیامده باشد

ولی اگر علم و یاسیستم اقتصادی عبارت است از راه و رسم بیشتر پول درآوردن به نحو و شکل، و ثروت اندوختن به روشیله و طرز، و کامیابی و بهره-کشی از منابع و معادن زیرزمینی و محروم گذاردن صاحبان اصلی آنها، و خون بیچارگان را به نام‌های فریبنده مکیدن و ملتئائی را غارت کردن و خودبهرتر زیستن، و یا: انسان را يك بعدی معرفی کردن، و اقتصاد را حتی زیربنای علم و مذهب و هنر و فرهنگ

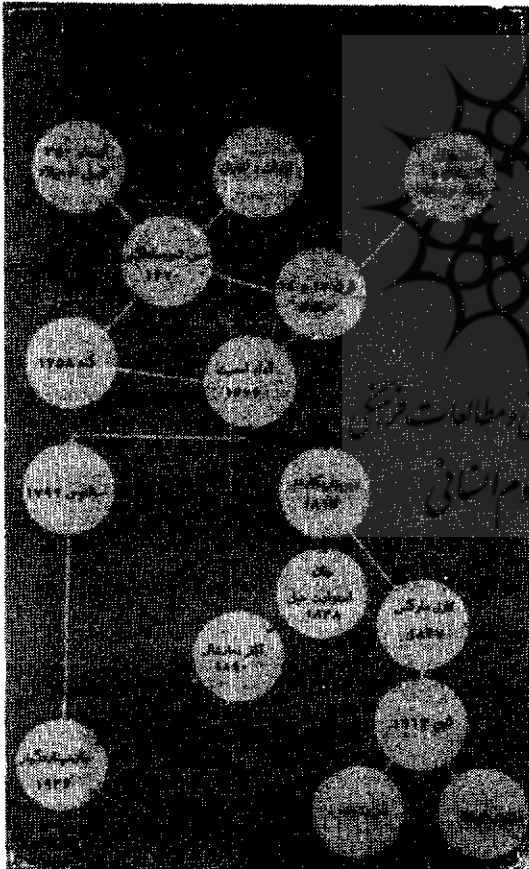
در مقالات گذشته نظر عمده‌ای از دانشمندان و صاحب نظران را پیرامون کیفیت پیدایش علم اقتصاد و مکتب اقتصادی و بنیان گزاران آن بیان کردیم. و اینک به تشریح نظر صحیح در این باره می‌پردازیم: بعقیده ما اگر وظیفه اقتصاد بحث پیرامون مسائل مادی و مالی و کیفیت تولید و توزیع و مصرف است، و همچنین هرگاه مکتب اقتصادی عبارت از: اسلوب و روشی است که جامعه ترجیح می‌دهد در حیات اقتصادی خود از آن پیروی نماید، بطور قطع می-توانیم ادعا کنیم که پیامبران الهی و شرایع آسمانی نخستین بنیان گزاران مکتبهای اقتصادی صحیح بوده‌اند.

زیرا: میدانیم که: پیامبران الهی مبعوث شده‌اند تا راه و رسم بهزیستی را بما نشان دهند تا در سایه

برمی‌خوریم که در این جابه‌جابه‌ی پاره‌ای از آنها اشاره می‌کنیم:

«ژوزف لازوژی» می‌نویسد: بنا بر ادعای يك نویسنده معاصر، تاریخ عقاید اقتصادی وسیله حضرت موسی (ع) آغاز شد (۱)

در نخستین صفحه کتاب «اقتصاد» نیز که با ترجمه آقای دکتر حسین پرنیا توسط بنگاه ترجمه و کتاب منتشر شده گراور زیر بنام شجره علم اقتصاد! بی‌چاپ رسیده است که ما عیناً از همان کتاب نقل می‌کنیم



وو، دانستن و بشر را تا مرحله حیوانیت تنزل دادن البته وحد البته که انبیاء و مکاتب وحی را با این اقتصاد سروکاری نیست. اسلام هم چه بهتر که از این گونه بهره‌کشی‌های بنام اقتصاد متنفر و بی‌زار باشد!

بهر حال سخن از اقتصاد به معنی واقعی و صحیح کلمه است که حتی در تعریف‌هایی که علمای فن نموده‌اند هم آمده است و از این جهت است که ما معتقدیم پایه‌گزاران اقتصاد صحیح انبیای الهی بوده‌اند، منتها پیروان انبیای سلف، مانند: یهود و نصاری با تحریف کتب آسمانی با دست خویش قوانین آسمانی را مسخ نموده و خود را گرفتار اوهام و خسرافات ساخته‌اند.

و قرآن مجید تنها کتاب آسمانی تحریف نشده‌ای است که بهترین و عالی‌ترین قوانین اقتصادی را که بر اساس فطرت پایه‌ریزی شده برای سعادت بشر آورده است که انسان با عمل به این قوانین می‌تواند به سعادت واقعی دست یابد و دنیا و آخرت خویش را تأمین نموده از مشکلات سرسام‌آور اقتصادی دنیای کنونی نیز رهایی یابد. و ما بخواست خداوند متعال قسمتی از این قوانین را در این سلسله مقالات در معرض افکار خوانندگان گرامی قرار خواهیم داد. بطوری که قبلاً دانستیم نویسندگان غربی غالباً تأثیر ادیان آسمانی را در مسائل اقتصادی نادیده گرفته و به عمد و یا سهو نخواسته‌اند سخنی از نقش انبیاء در مسائل مادی و مالی به میان آورند، معذک گاهگاهی در لابلای نوشته‌ها به اعترافات جالبی

معنوی و اخروی میدانست نه مادی و دنیائی
 در این شرایط و مقتضیات زندگی اقتصادی کاملاً
 و مطلقاً مقید به اصول اخلاقی بود، خانواده و صنف
 واحدهای اساسی جامعه قرون وسطی بودند. قواعد
 حقوقی بین مشیت الهی تلقی می شد، مصلحت عمومی،
 عدالت، ابدیت پیرو سهای خانواده تحت نظر و رهبری
 کلیسا حاکم بر طرز فکر افراد جامعه بود، صاحب
 نظران در مسائل مذهبی متفکران اصلی زمانه بودند
 که مشهورترین ایشان «سن توماس قدیس»
 است.

از دیدگاه توماس قدیس مالکیت مقبول است
 اما برخلاف آنچه رومیان می پنداشتند محدود و
 موقوف به مصالح عمومی (۱)

این بود نمونه‌ای از احترامات دانشمندان غربی
 درباره پیشگام بودن انبیاء و پیامبر بودن نقش آنان
 در مسائل اقتصادی. در همین حال مانویست‌گان غربی
 را در این باب چندان مقصر نمی دانیم زیرا کلیسا از
 روز نخست حساب خود را با دنیا و مادیات جدا
 نموده و دین را در اخلاق و یک سلسله پندهای اخلاقی،
 و رهبانیت و گوشه گیری و سفارش به انزوا و کناره
 گیری از خلق خلاصه کرده است.

و از این جهت دانشمندان غربی که دین را با هینک
 مسیحیت شناخته و دشمنی کلیسا را با علم از دیرباز

بطوری که ملاحظه می فرمائید در این شجره نامه ،
 نیز سلسله نسب علم اقتصاد از یک طرف به تورات و
 انجیل منتهی می شود. ولی چیزی که برای ما مجهول
 است این است که شجره نامه مزبور توسط مؤلف
 «پل ساموئلسن» طرح گردیده است که در این صورت
 ما به نویسنده آمریکائی آن حق می دهیم «تورات
 و انجیل» را در سلسله نسب علم اقتصاد داخل
 بداند و از «اسلام و قرآن» سخنی به میان نیاورده
 باشد.

و اگر این طرح از مترجم یا مترجمین محترم باشد
 که مسلمانند و اساتید دانشگاه یک کشور اسلامی
 آنوقت، حق داریم که از ایشان دوستانه گله کنیم که
 چرا؟...

و اینک شما و شجره نامه مزبور تا در خلال زادگی
 اقتصاد تردیدی بخود راه ندهید.

و نیز در «تاریخ مختصر عقاید اقتصادی» درباره
 عقاید اقتصادی در قرون وسطی مینویسد . «تنهایک
 قدرت بلامعارض وجود داشت و آن کلیسا بود، کلیسا
 نسبت به تمایلات نامطلوب انسانی که در خوشنترهای
 معمول زمان تجلی می یافت به نظر بدبینی مینگریست
 پس قناعت و تعادل را توصیه می کرد .

... از نظر کلیسا، جاه طلبی و افزون طلبی و حب
 مال محکوم و مردود بود، کلیسا سعادت و نجات را

- ۱- تاریخ مختصر عقاید اقتصادی ترجمه دکتر هوشنگ نهاوندی ص ۹
- ۲- زحمات عده‌ای از دانشمندان مصری و پاره‌ای از کشورهای اسلامی دیگر که آثار ارزنده‌ای درباره
 اقتصاد اسلامی نگاشته‌اند قابل هر گونه تقدیر است در کشور ما نیز برخی از علمای مسلمان کتابهایی نظیر اسلام
 و مالکیت نوشته‌اند که بسی سودمند و مفید است ولی متأسفانه از طرف دانشکده‌ها و مدارس عالی مربوطه
 ایران تاکنون قدمی در این باره برداشته نشده.

اراضی ای که بچنگ بدست مسلمانها افتاده، اراضی ای که بدون چنگ به مسلمانها رسیده، مطلق زمینها و آبها، و استخراج معادن و منابع زیرزمینی، اداره جنگلها، مراتع، رؤس جبال، دشتها و صحراها، دامداری، پرورش و نگهداری حیوانات از قبیل شتر، گاو، گوسفند، مرغداری و حیوانات خانگی و حمایت از حیوانات و صناعت و پیشه‌وری، حقوق کارگسرو کارفرما .

و «توزیع» شامل مباحث: تجارت، و بازرگانی، و داد و ستد و خرید و فروش، و مکاسب محرمه و محطله، و صلح و بیع و اجاره، و کالت و ودیعه، هبه، مشارکت، مضاربه، و تحریم ربا، قرض و عاریه و... و «مصرف» شامل مباحث: اطعمه، اشربه،

صید و ذبح، حرمت اسراف و تبذیر، و رعایت میانه‌روی در خوراک و پوشاک و مسکن و ساختمان و و و که هر کدام نیز دارای صدها مسئله می‌باشد (۱)

انصاف بدهید که چه اندازه بی انصافی شده، ولی با زهم صد افسوس که دنباله روی از غرب، ما را به بی‌خبری مطلق از مسائل مذهبی کشانده است. دنباله دارد



میدانسته حق دارد برای ادیان آسمانی و انبیای الهی نقشی در رهبری اقتصاد و پیش برد اهداف اقتصادی اجتماع قائل نبوده و معتقد باشد که زبان حال انبیاء این است که: **کار دنیا را بد دنیا واگذار.**

ولی تعجب از بسیاری از دانشمندان مسلمان و اقتصاد دانان کشورهای اسلامی (۲) است که در بست در اختیار مکاتب غربی قرار گرفته و کاری جز ترجمه آثار غرب و نویسندگان غربی نکرده اند.

و اگر راستی افکار اینگونه دانشمندان توسط غرب استعمار نشده بود و روح غرب زدگی مجال اندیشه و تفکر بیشتری به ایشان داده بود حتماً به فقه اسلامی و منابع غنی آن نیز نظری می‌نمودند و لااقل قوانین اقتصاد اسلامی را نیز بنحویت نمونه‌هایی از افکار عرضه می‌داشتند شاید صاحب‌دلی و صاحب‌دردی و لوازم غرب پیدا می‌شد و آن افکار و اندیشه‌ها را لایق و قابل بحث و نقد می‌دانست و چه بسا برای دردهای بی‌درمان جهان بشریت داروئی یافت می‌گردید و آنوقت وضع غیر از این بود که هست.

و هرگاه تورات و انجیل تنها به خاطر داشتن قانون تحریم ربا و پاره‌ای از اندرزهای اخلاقی مربوط به عدل و انصاف درباره دادوستد از بتیان-گزاران اقتصاد شمرده شوند و کیشیان مسیحی در زمره پدران علم اقتصاد در شجره نسب! در آیند درباره اسلام با آنهمه قوانین گسترده‌اش پیرامون کیفیت «تولید» شامل مباحث زراعت و کشاورزی، مزاحمه، مساقات، احیاء موات، اراضی خراجیه،

۱- بر خواننده بصیر پوشیده نیست که برخی از مسائل که از مباحث توزیع شمرده شده احیاناً از مسائل

تولید هم شمرده می‌شود.